



### بایدها بر عهده ماست

قالیباف دیروز در صحن علنی مجلس، ضمن ابراز امیدواری برای حل مشکلات با تعامل قوای دیگر گفت: بنده به عنوان خدمتگذار و تمام وزرا و نمایندگان در پشت تریبون حق انتقاد از خود نداریم، جایی که وظیفه برعهده ماست، مسؤول همه بایدها خود ما هستیم، بنابراین باید دست به دست هم دهیم و مشکلات را حل و فصل کنیم. / خانه ملت



### همه فعالیت‌های وزارت فرهنگ

سیدعباس صالحی دیروز در صحن علنی مجلس، گزارشی از فعالیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کرد. در این گزارش وزیر ارشاد به بودجه وزارتخانه اشاره کرد و در ادامه فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه توسعه فضاهای فرهنگی، بیمه هنرمندان، حمایت از هنرمندان بعد از شیوع ویروس کرونا و حمایت از تشکل‌های فرهنگی، جشنواره‌های هنری و ادبی و برنامه‌های تحولی شورای عالی فضای مجازی را تشریح کرد و به سوالات نمایندگان پاسخ داد.

## جلسه علنی روز گذشته مجلس با حضور وزیر ارشاد و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی به بررسی مشکلات حوزه فرهنگ اختصاص داشت

# صدای مظلومیت فرهنگ

## بی خیالی فرهنگی!

روز گذشته حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با حضور در صحن علنی مجلس به بیان معضلات فرهنگی کشور پرداخت. از انفعال دستگاه‌های فرهنگی و تشتت آنها حرف زد و بر این نکته مهم هم تأکید کرد که خلشگتی نهادهای فرهنگی تا چه اندازه به روند امورات فرهنگی و فرهنگ‌سازی در جامعه آسیب زده است. هر چند قمی مستقیم نمی‌گوید اما می‌توان گفت ظاهراً مدیران ما به بی خیالی



فرهنگی مبتلا شده اند!

او از تعطیلی چند ماهه شوراهای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی حرف زد و به موضوع مهم سند مهندسی فرهنگی کشور اشاره کرد، سندی که به دستور مقام معظم رهبری بیش از ۴۰ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی را به خود اختصاص داده، اما حالا چند سال بعد از تصویب شدنش، برخی سندهای مهم آن که در سبد اولویت‌ها بود، عملاً روی زمین مانده و فراموش شده اند.

مظلومیت فرهنگ، موضوعی که طی چند سال گذشته از سوی برخی مسؤولان این بخش از جمله وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم مطرح شده، مجاری ناچیز بودن بودجه فرهنگ و هنر است. قمی در صحبت‌هایش بودجه بخش فرهنگ را زیر نیم درصد بودجه کشور دانسته و گفته این بودجه معادل ساخت تنها بیش از ۳۰۰ کیلومتر بزرگراه است! قمی که ظاهراً با دلی پر از نابه‌سامانی‌های بخش فرهنگ

## این معضل تکراری، چقدر جدی است؟

### سوءاستفاده‌های سیاسی از فرهنگ

غفور شیخی، جامعه شناس به جام‌چم می‌گوید، ما در فرهنگ‌سازی و ساماندن‌ی امور فرهنگی به هیچ‌وجه موفق نبوده‌ایم. او معتقد است، نهادهای فرهنگی به رغم همه کارهایی



که انجام شده، نتوانسته‌اند در مقوله فرهنگ‌سازی موفق عمل کنند و به همین دلیل هم نمی‌توان ثمره خوبی به آنها داد. این جامعه شناس معضلات نهادهای فرهنگی را این‌طور دسته بندی می‌کند: فرهنگ مقوله ای چند بعدی است و از این منظر بسیار حساس و نیازمند اطلاعات روز است. کارکرد متولیان فرهنگی نیز باید در دو حوزه کنش (تولید) و واکنش (دفاع) باشد که متأسفانه در کشور ما در هردوی این موارد احساس ضعف و خلأ بسیاری وجود دارد. این خلأ و به نوعی

## فرهنگ در حاشیه

به نظر می‌رسد تعطیلی شوراه‌ا، نابه‌سامانی عملکرد نهادهای فرهنگی و نبود چشم اندازی از آنچه قرار است در عرصه فرهنگ رخ دهد، فضایی مبهم و تیره و تار ایجاد کرده که نمی‌توان چندان به بهبود عملکرد نهادهای

عقب ماندگی در فرهنگ سازی از منظر جامعه شناسی می‌تواند این چند دلیل عمده را داشته باشد. او می‌گوید: این‌که سبک زندگی جامعه ما روز به روز به سمت وسوی شبه سرمایه‌داری شدن پیش می‌رود و آن اسلامیت و ایرانی‌تی که توسط نهادهای فرهنگی با صرف بودجه‌های هنگفت ترویج می‌شود، عملاً نمودی در زندگی خانواده‌های جامعه ما ندارد. این جامعه شناس می‌افزاید: این‌که ما در حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... دارای آسیب‌های جدی هستیم که ناخواسته بر فرهنگ نیز تأثیر می‌گذارند. در عین حال این آسیب‌ها ناشی از فرهنگ غلطی است که نیروی انسانی را این‌گونه تربیت کرده است. فرهنگ روح سیال در کالبد کشور است و هرگونه آسیبی در وجهی از ابعاد کشور رخ دهد، هم از فرهنگ متاثر و هم بر آن اثرگذار است. غفوری تأکید می‌کند: جریان‌سازی و موج سواری فضای خارج از کشور

روی خبرهای ناگوار داخل کشور است. به عنوان مثال، خودکشی یک دختر نوجوان ماه‌ها کشور را درگیر یک بحران رسانه ای می‌کند. همچنین کمبود نیروی متخصص بر سر کار در نهادهای فرهنگی است. باید نیروهای متخصص نیز در کنار نیروهای معتقد با وجهه مذهبی در سیستم حضور داشته باشند. او آخرین دلیل ضعف ما در فرهنگ سازی را این‌طور بیان می‌کند: سیاست در کشور ما از فرهنگ به کرات سوءاستفاده می‌کند. حال آن‌که فرهنگ نباید دستمایه و چاشنی حکومت باشد، چرا‌که فرهنگ بر سیاست اولویت دارد. این جامعه شناس می‌گوید، بدون داشتن دقت نظر در این موارد نمی‌توان از نهادهای فرهنگی توقع داشت کاری از پیش ببرند و تا این موارد در لایه‌های سیاستگذار ما اعمال نشوند، اتفاق خوبی رخ نخواهد داد.

از کارشناسان فرهنگی کشور پرسیده‌ایم معضل مدیریت فرهنگی در کشور چیست و چرا علی‌رغم همه تلاش‌ها مدیریت در این حوزه حساس به حال خود‌رها شده و دیگر در صدر توجه مدیران

### مدیرانی که فضای مجازی را نمی‌شناسند

فرشاد رضی، کارشناس فضای مجازی هم عملکرد نهادهای فرهنگی را در چه مرحله اجرا و چه در فرهنگ‌سازی نادرست دانسته و تأکید می‌کند: در فضای مجازی امروز حرف اول را محتوا می‌زند. از این منظر کسی یا نهادهی که بتواند تولید محتوای درست انجام دهد، حتماً برنده است. این محتوا لزوماً نباید محتوای آموزشی یا آکادمیک باشد. بلکه گاهی یک محتوای سرگرم‌کننده درست می‌تواند برگ برنده ای در این فضا محسوب شود. در این میان یک بخش مهم تولید محتوا در این فضا، نهادهای فرهنگی ما



هستند. البته در این شرایط که هر کاربر خود یک تولیدکننده محتواست، شاید به نوعی تولید محتوا و خط‌دهی محتوا توسط نهاده‌ا کار آسانی نباشد. بنابراین نهادهای فرهنگی با باید محتوای درست مورد نیاز جامعه را تولید و منتشر کرده یا اتفاقی ایجاد کنند تا خود مردم در فضای مجازی درباره آن به تولید محتوا بپردازند. او اظهار می‌کند: ما ادعای حکمرانی در فضای مجازی را داریم. صرف‌نظر از این‌که آیا اصلاً فضای مجازی قابل حکمرانی است یا خیر، باید بررسی کرد که اصلاً نهادها در این فضا تاکنون چه کرده‌اند؟ به اعتقاد من عملکرد این نهادها در سال‌های اخیر نشان دهنده این بود که گویا اصلاً این حوزه برایشان اهمیتی نداشته که در آن فعالیت‌کنند.

## نیازمند نگاه فرهنگی هستیم

آنچه امروز مقوله فرهنگ را به حاشیه برده و در سایه اقتصاد و سیاست قرار داده، قبل از هر چیز دیگر نگاه مسؤولان و تصمیم‌سازان کشور است که اگر نگاه فرهنگی داشته باشند، مسیر فرهنگ را هموار خواهند کرد و برای اختصاص بودجه به دستگاه‌های فرهنگی هم دست و دلبازی بیشتری خواهند داشت. فرهنگ دارد به حاشیه می‌رود، چون حتی از همین امکانات موجود هم به صورت بهینه استفاده نمی‌کنیم، بودجه‌های فرهنگی شفاف نیستند و نمی‌دانیم کجا و برای چه مواردی به مصرف می‌رسند. بخش‌های فرهنگی نتوانسته‌اند تمام اهالی فرهنگ را تحت پوشش قرار دهند و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود بهره بگیرند. معمولاً اشخاص و گروه‌های خاصی در بخش فرهنگ مورد حمایت قرار می‌گیرند که معمولاً مشخص و ثابت هستند؛ برخی بودجه‌های وسیع دارند و برخی دیگر بودجه محدودتر. مساله دیگر این است که دستگاه‌های فرهنگی با نگاه شخص محور مدیریت می‌شوند و از آنجا که خیلی از اهالی فرهنگ و هنرمندان، اهل مراجعه به دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی نیستند و نزد اصحاب قدرت دست دراز نمی‌کنند از حق طبیعی خود محروم می‌مانند. این متولیان فرهنگی هستند که باید سراغ فعالان فرهنگی بروند و نگاهشان را از دایره محدود افراد حقیقی و حقوقی که گردش‌ان جمع شده‌اند، به دوتر و



افشین املا

فعال فرهنگی و ادبی

تمام اصحاب فرهنگ معطوف کنند. در نظامی که نگاهش از روز نخست بر فرهنگ استوار بوده و از انقلابی متولد شده که انقلاب فرهنگی بود، توقع می‌رود که مقوله فرهنگ را در راس اقتصاد، سیاست و سایر موارد قرار دهد و اولویت اصلی‌اش فرهنگ باشد. در این صورت تنظیم و تقسیم بودجه به نفع فرهنگ انجام خواهد شد و عملکرد نهادهای فرهنگی مورد بررسی و ارزیابی و حتی بازنگری قرار خواهد گرفت. متأسفانه سازمان‌های متولی امور فرهنگی سال‌هاست که دچار رکود هستند. یک بخش از این مساله به کمبود بودجه مربوط است و بخش دیگر و مهم‌ترش مربوط است به نگاه‌ها و تعاریفی که از فرهنگ در میان تصمیم‌سازان فرهنگی وجود دارد. به عنوان کسی که بیش از ۳۰ سال کار فرهنگی و ادبی می‌کنم، هرگز این امکان را ندارم که بتوانم از امکانات رسمی استفاده کنم و برای انجام طرح، پروژه یا خلق اثر از سوی هیچ‌یک از این همه نهاد فرهنگی حمایت نمی‌شوم. این روزها همه مستقل کار می‌کنند و به صورت شخصی. هنرمندان از امکانات و بودجه فرهنگی سهمی ندارند، مگر افراد معدودی که به واسطه ارتباطات و مناسباتی می‌توانند در سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی، وظایفی را برعهده بگیرند. درخشش دوباره فرهنگ نیازمند دغدغه‌های فرهنگی است و با چنین نگاهی حتی بودجه فرهنگی هم درست تنظیم، توزیع و هزینه خواهد شد و در نهایت، فرهنگ از حاشیه به اصل و به متن باز خواهد گشت. □

همان‌طوره که ما در اقتصاد، با دو دسته اقتصاد خرد و کلان مواجهیم این دسته‌بندی در فضای فرهنگی نیز وجود دارد. در حوزه فرهنگ، یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها، مهارت تأثیرگذاری قرار خواهد داشت. است که متأسفانه به کشور ما وارد نشده و این مقوله مانند طب سنتی به‌صورت سینه‌به‌سینه و دهان‌به‌دهان بین افراد نسل‌های مختلف منتقل شده و در هر بار انتقال هم بخشی از آن از دست رفته است. درخصوص آموزش‌های فرهنگی و اثربخشی به فرآیندهای مدیریت فرهنگی، در ابتدای امر می‌بایست دانایی از مهر و محبت را بین مربی و متربی افزایش داد. همچنین باید هم‌زمان با به‌وجودآمدن حس پذیرش در متربی، محیط متربی نیز آگاهی او را مورد تحقیق و تشویق قرار دهد. برای مثال وقتی یک نوجوان به مسجد می‌رود، بایست به فلسفه نماز را به او آموخت و او را مورد تشویق و ترغیب به خواندن نماز قرار داد. اما متأسفانه ما در کارهای فرهنگی‌ای که در جامعه‌مان صورت می‌گیرد، نه همراهی محیط را شاهدیم و نه مربی توان انتقال آموزه‌ها و برقراری ارتباط درست را با متربی دارد. فرهنگ‌سازی توأم با اجبار یا سرزنش نه‌تنها حاصلی نخواهد داشت بلکه بیشتر نتیجه



حسن بنیانیان

فعال فرهنگی

## تربیت فرهنگی به تخصص نیاز دارد

عکس می‌دهد. در این فقره نمازهای جماعت مدارس را در نظر بگیرید. این نمازها غالباً با اجبار از طرف ناظم و مدیر مدرسه همراهند و عجیب نیست اگر می‌بینیم که گاه در این نمازهای جماعت بچه‌ها در سجده با هم حرف می‌زنند! چنین برخورد اجباری‌ای با پدیده‌ای چون نماز، نه‌تنها هیچ‌گونه تأثیر فرهنگی در متربی نخواهد داشت بلکه تنها حاصل آن این است که دانش‌آموز از نماز منزجر خواهد شد. کافی است که یک دانش‌آموز در مدرسه با چنین اجباری روبه‌رو باشد و در خانه نیز نمازخواندنش از طرف خانواده (محیط) مورد تمسخر و استهزا واقع شود. این مثال شاهی است بر این مدعا که بایست مدیریت فرهنگی ما بسیار مدیریت‌شده‌تر از این عمل کند. تربیت فرهنگی یک فرآیند است و به‌هیچ‌وجه مقطعی نیست. گاه ممکن است در زندگی یک فرد یک اتفاق مثبت تربیتی روی دهد اما زمانی این اتفاق در زندگی او اثربخش خواهد بود که در یک برهه زمانی دیگر با یک رویداد تربیت منفی، از بین نرود. نکته دیگر اینجاست که باید تربیت فرهنگی را تخصصی کرد. امروزه آن قدر که علم و تخصص در پزشکی جایگاه دارد و در زندگی برای مثال یک پزشک حائز اهمیت است، در فرهنگ جدی گرفته نمی‌شود. چند درصد از مادرهای جامعه ما برای تربیت فرزندان‌شان یک آموزش حداقلی سه‌ماهه دیده‌اند؟ □



محسن مومنی شریف

رئیس حوزه هنری